



یک سوم ماه شعبان سپری شد/ آیا آماده مهمانی بزرگ هستیم

یک سوم از ماه شعبان بر ما سپری شد. خیلی زود دیر می شود و ناگهان خود را در آستانه مهمانی بزرگ خواهیم یافت.

آیا آماده مهمانی بزرگ هستیم؟!

یک سوم از ماه شعبان بر ما سپری شد. خیلی زود دیر می شود و ناگهان خود را در آستانه مهمانی بزرگ خواهیم یافت. آیا آماده مهمانی بزرگ هستیم؟!

به گزارش خبرگزاری مهر، آنها که جلسات مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی را در این سال‌های اخیر دنبال می کرده اند؛ صدای دلنشین او را هنوز در گوش دارند که در آغاز مباحث مربوط به دعا این‌گونه آغاز می‌کرد: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ * وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ * وَاقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ * فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ * وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ. ...** و بعد ادامه می‌داد.

جملات بالا فرازهایی از مناجات شعبانیه است و یک سوم از ماه شعبان بر ما سپری شد.

خیلی زود دیر می شود و ناگهان خود را در آستانه مهمانی بزرگ خواهیم یافت.

بخش هایی از صحبت‌های آن عزیز از دست رفته را در یکی از شب‌های قدر تقدیم می‌کنم؛ باشد که از این فرصت باقیمانده استفاده کنیم.

... اگر من با کسی رابطه ای داشتم و رابطه ام به گونه ای بود که او مدام به من محبت می کرد و من در ازای محبت‌هایش به او بد می کردم و هرچه روش او دوستانه بود، روش من - نعوذ بالله دشمنانه بود، حالا اگر بخواهم از او درخواستی کنم، باید چه کار کنم؟ فرض کنیم کارم هم گیر کرده و سروکارم هم با همان شخص است. چه کنم؟

پیش خودمان وضعیتی که در سوال بالا مطرح شده را تصور کنیم. غیر از این است که تا چشم مان به طرف مقابل می افتد به او می‌گوییم "فلانی! من در حق تو بد کردم. بیا و من را ببخش ... ببخش و نادیده بگیر...". مگر می شود اعتراف به بدی‌هایم نکنم و باز هم روی این را داشته باشم که از او تقاضایی کنم؟

شخصی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و گفت: من دعا می‌کنم ولی دعاهایم به اجابت نمی‌رسد؛ چه کنم؟ مگر نگفته است «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؟ پس چرا با این حال، وقتی خواستیم به ما نمی‌دهد؟ حضرت این نکته را می‌فرماید: تو باید از جهت دعا وارد شوی و دعا کنی؛ «وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ»؛ راه دعا را گم کرده‌ای؛ دعا راه دارد. «وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ عَاصِينَ». اگر از خدا از همان راه دعا، تقاضا کنی، اگرچه گناهکار هم باشی، جوابت را می‌دهد.

سپس حضرت نسخه ای به شرح زیر، به این شخص (و به ما) می‌دهند:

-احمد و ثنای الهی

و بعد ...

۲- اعتراف و اقرار به گناهان به صورت جدا جدا و اجمالی: «ثُمَّ تَعْتَرِفُ بِذُنُوبِكَ ذَنْبٍ ذَنْبٍ»؛ پیش خدا که رفتی، به یکایک گناهانت اعتراف کن و بگو بد کردم. «وَوَقِّرْ بِهَا»؛ اقرار کن. «أَوْ بِمَا ذَكَرْتَ مِنْهَا»؛ یعنی مگر می‌توانی خطاهایت را بشماری؟ نمی‌توانی! پس همان مقدار که یادت می‌آید چه کردی را اقرار کن. «وَوَ تَجْمَلُ مَا حَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا»؛ آن چیزهایی که بر تو پوشیده است را اجمالاً اعتراف کن؛ یعنی انسان برود در خانه خدا و بگوید خدایا، بد کردم؛ خیلی هم بد کردم. بدی‌هایم را هم نمی‌توانم بشمرم. اما اجمالاً اعتراف می‌کنم. «فَتَتَوَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ»؛ بعد عذرخواهی کن و بگو حالا از ما چشم‌پوشی کن.

۳- در دلت تصمیم بگیر که دیگر گناه نکنی!

حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَأَنْتَ تَتَوَيَّ أَلَّا تَعُودَ»؛ یعنی عذرخواهی کن و پوزش بطلب؛ بعد هم در دلت، (و نه زبانت)، واقعاً تصمیم بگیر که دیگر این کارها را نکنی. پوزش که می‌طلبی، با حالت پشیمانی و صدق نیت و با خوف و رجا باشد.

در بهترین ایام و بهترین موقعیت‌ها که دعا به اجابت می‌رسد، آن هم در حالی که خودش مرا دعوت کرده و گفته بیا و من هم در حالی که سرافکنده ام آمده‌ام، اعتراف هم می‌کنم که بد کرده‌ام، تصمیم هم می‌گیرم که دیگر بد نکنم؛ این‌ها همه مقدمه این است که بتوانم از خدا درخواست کنم.

۴- از خدا بخواهیم خودش کم‌کم کند که سال آینده مطیع خدا باشیم: «فَأَعِيتِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَفَّقْنِي لِمَا أُوجِبَتْ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ». اینها نه تنها هیچ منافاتی با هم ندارد که قبل از هم و بعد از هم و با هم هستند. هم با اعتراف به گناهان خود، طلب مغفرت کنیم، هم دلمان را برایش خالص کنیم و بگوییم دیگر می‌خواهیم برای تو باشیم و مسیرمان جور دیگری باشد و هم - از خودش بخواهیم که ما را برای خودش بخواهد. کم‌کم کند که فقط بنده و مطیع او باشیم.

مطمئن باشید به اینکه او می‌گذرد. یک توجه به اینکه «خدایا ما بد کردیم»، همه چیز را تمام می‌کند؛ او کار را با همین "یک توجه" تمام می‌کند.

در عرف خودمان هم اینطور است که اگر طرف مقابلمان یک انسان کریم باشد، وقتی به او بگوییم آقا، معذرت می‌خواهیم، به

شما بد کردیم، ولی کارمان گیر کرده، او چه جواب می‌دهد؟ می‌گوید: «سَلْ حَاجَتْک!» حالا حاجت‌هایت را از من بخواه! بگو
ببینم از من چه می‌خواهی؟ خدا خطاب می‌کند: بگو؛ سؤال کن؛ بخواه؛ چه دنیوی، چه اخروی.